

Multi-semantic evaluation of the action verb "to eat" in Kalhori Kurdish dialect based on cognitive semantics [In Persian]

Fatemeh Hatami¹, Behzad Rahbar^{2*}, Marjan Taheri Oskooi³,
Hengameh Vaezi⁴, Seyedeh Nazanin Amir Arjamandi⁵

1 PhD student in Linguistics, Islamic Azad University, Takestan Branch, Qazvin, Iran

2 Assistant Professor of Linguistics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

3 Assistant Professor, Department of Linguistics, Islamic Azad University, Takestan Branch, Qazvin, Iran

4 Assistant Professor of Linguistics, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran

5 Assistant Professor, Department of Linguistics, Islamic Azad University, Takestan Branch, Qazvin, Iran

*Corresponding author: behzadrahbar@atu.ac.ir

DOI: 10.22034/jltll.2021.528531.0

Received: 10 Nov, 2020

Revised: 08 Feb, 2021

Accepted: 15 Mar, 2021

ABSTRACT

One of the most well-known ideas in semantic studies is polysemy, which is defined as the situation in which a single language element has several interpretations. The constructivist method is well-known for giving specific emphasis to conceptual links at the vocabulary level. Homonymy is compared to polysemy for analysis. According to the constructivist perspective, polysemy is an unintended result of the presence of words. A word's potential meanings are thought to be limitless and unexpected. In the current article, a cognitive semantics method is used to examine the several meanings of the verb "to eat" (/xwârdn/ as an action verb in the Kurdish dialect of Kolhori). Field libraries have been used to collect the data. Common phrases, proverbs, and Kurdish poets' works all made up the language corpus employed in this study. Forty-two meanings of the verb "to eat" were identified by analyzing the data using cognitive semantics concepts; one of these meanings was the main meaning of "swallowing something through the mouth," and 41 of its marginal meanings were categorized into seven main groups, showing a close semantic relationship between the meaning of the head of each group and the marginal members: First, there are those who "desire," second, there are those who "take place," third, there are those who "are efficient," fourth, there are those who "predict fate," fifth, there are those who "do injustice," and sixth, there are those who "do something right." The sixth group is "giving," followed by "entertaining." The semantic network of Kolhori Kurdish may be examined to see how the similarity of a verb's fundamental components affects how it is understood. In certain cases, the existence of a word that is similar to many verbs might signify the same thing. As a result, the semantic network relationships between the verbs in Kolhori Kurdish and their context-related associate words lead to the transmission of meaning.

Keywords: Polysemy, Action Verb, Kolhori Kurdish Dialect, Cognitive Semantics, Sarnemon Theory

ارزیابی چند معنایی فعل کنشی «خواردن» در گویش کردی کلهری بر اساس معنی شناسی شناختی

فاطمه حاتمی^۱، بهزاد رهبر^{۲*}، مرجان طاهری اسکویی^۳، هنگامه واعظی^۴، سیده نازنین امیر ارجمندی^۵

۱. دانشجوی دکتری زبانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، قزوین، ایران

۲. استادیار زبانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه زبانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، قزوین، ایران

۴. استادیار گروه زبانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران

۵. استادیار گروه زبانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، قزوین، ایران

*نویسنده مسئول مقاله Email: behzadrahbar@atu.ac.ir

DOI: 10.22034/jlitl.2021.528531.0

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

اصلاح: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۰

چکیده

چندمعنایی از آشناترین مفاهیمی است که در مطالعات معنی‌شناسی به آن پرداخته شده و آن را شرایطی معرفی می‌کنند که یک واحد زبانی از چند معنی برخوردار شود و در نگرش ساخت‌گرا، به سبب توجه ویژه ای که به روابط مفهومی در سطح واژگان دارد، شناخته می‌شود. چندمعنایی در مقابل هم‌نامی تحلیل می‌گردد. در نگرش ساخت‌گرا چندمعنایی، پدیده‌ای اتفاقی و محصول هم‌نشینی واژه‌ها است. چندمعنایی یک واژه، نامحدود و غیر قابل پیش‌بینی در نظر گرفته شده است. مقاله حاضر به مطالعه چندمعنایی فعل «خواردن» /xwârdən/ به عنوان یک فعل کنشی در گویش کردی کلهری با رویکرد معناشناسی شناختی می‌پردازد. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای-میدانی صورت گرفته است. پیکره زبانی مورد استفاده در این پژوهش شامل جملات رایج، ضرب‌المثل‌ها و آثار شاعران کردی کلهری بوده است. با بررسی داده‌ها بر مبنای مفاهیم معنی‌شناسی شناختی، ۴۲ معنای فعل «خواردن» مشخص گردید که یک معنای سرنمون و اصلی «فروردن چیزی از راه دهان» و ۴۱ معنای آن حاشیه‌ای و به ۷ گروه اصلی طبقه‌بندی شدند که ارتباط معنایی نزدیکی میان معنای سرنمون هرگروه با اعضای حاشیه‌ای وجود دارد: گروه اول «میل

داشتن»، گروه دوم «جای گرفتن»، گروه سوم «به کار آمدن»، گروه چهارم «پیش-بینی کردن سرنوشت»، گروه پنجم «بی‌عدالتی کردن»، گروه ششم «کاری را درست انجام-دادن»، گروه هفتم «تفریح کردن». بررسی شبکه معنایی کردی کلهری نشان می‌دهد که باهمایی اجزاء ضروری در انتقال معنای فعل تأثیر بسزایی دارد، گاه وجود یک واژه مشابه با افعال متعدد، معانی یکسانی را منتقل می‌کند بنابراین روابط معنایی شبکه‌ای میان افعال کردی کلهری و واژه‌های همراه در بافت، سبب انتقال معنا می‌شوند.

واژگان کلیدی: چندمعنایی، فعل کنشی، گویش کردی کلهری، معنی‌شناسی شناختی، نظریه سرنمون

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی ریشه در مباحث زبانی و علوم شناختی نوظهور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، به ویژه در بررسی مقوله بندی در ذهن انسان و روان شناختی گشتالتی دارد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳). زبان‌شناسی شناختی چارچوبی انعطاف‌پذیر دارد، اما بر مبنای یک نظریه واحد نیست به طوری که می‌توان آن را به خانواده‌ای تشبیه کرد که اعضای آن ویژگی‌های مشترکی دارند، هرچند با همدیگر تفاوت‌هایی نیز دارند. زبان‌شناسی شناختی رویکردی است به مطالعه زبان براساس تجربیات ما از جهان خارج، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی (راسخ مهند، ۱۳۹۳: ۶).

معنی‌شناسی شناختی یکی از دو بخش عمده زبان‌شناسی شناختی است و بخش دیگر آن مطالعه دستور است. معنی‌شناسی که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد واکنشی بود به معنی‌شناسی صدق و کذب که در زبان‌شناسی صورت‌گرا مطرح بود. « آنها معنی را رابطه‌ای میان واژه‌ها و جهان خارج می‌دانستند، و نظام شناختی را از نظام زبانی کنار می‌گذاشتند.» اما معنی‌شناسان شناختی، معنی زبانی را بازنمود ساختار مفهومی می‌دانند؛ یعنی معنی زبانی بازنمود سازمان ذهنی است و به این دلیل معنی‌شناسی شناختی، رویکردی متمایز به بررسی معنی زبانی است. معنی‌شناسی شناختی؛ نیز مانند زبان‌شناسی شناختی مختص نظریه واحدی نیست، بلکه مجموعه‌ای از نظریه‌ها و رویکردهاست که می‌توانند براساس اشتراکاتشان زیر

یک چتر گرد هم آیند. معنی‌شناسی شناختی شامل مفاهیم و مباحثی؛ مانند استعاره و مجاز، معنی دایره-المعارفی، مقوله‌بندی و نظریه سرنمون، فضاهای ذهنیو آمیزه مفهومی می‌شود. (همان، ۱۳۹۷: ۳۸)

مطالعه «چندمعنایی» یا «چندگانگی معانی» کلمات از دیرباز در فلسفه زبان، زبان شناسی، و روان-شناسی مطرح بوده است. نخستین بار رواقیان بودند که به روابط پیچیده میان معانی و کلمات توجه نشان دادند. آنان دریافتند که گاه مفهومی واحد می‌تواند از طریق کلمات متعدد بیان شود که در این صورت شاهد هم‌معنایی خواهیم بود و گاه عکس این اتفاق رخ می‌دهد، یعنی یک کلمه می‌تواند معانی متعددی داشته باشد و چندمعنایی مطرح شود (راوین و لیکوک، ۲۰۰۰: ۱)

چندمعنایی، شرایطی است که در آن یک واژه چندین معنی مرتبط دارد. هرچند این تعریف، چندان پیچیده به نظر نمی‌رسد؛ ولی چندمعنایی پدیده‌ای با مرزهای مشخص و بدون ابهام نیست (آنتونانو، ۱۹۹۹: ۱۴). از میان انواع روابط مفهومی، چندمعنایی جایگاه مهم و متمایزی در حوزه معنی دارد، زیرا زایایی معنی و بسط مفاهیم تا حد قابل توجهی در نتیجه عملکرد چند معنایی تحقق می‌یابد. چند معنایی واحدهای واژگانی، پدیده‌ای جهانی است و در همه زبان‌ها، از خانواده‌های زبانی متفاوت و در تمام دوره‌های تاریخی اتفاق می‌افتد (ونهوف، ۲۰۰۸: ۳)

از نظر اولمان (۱۹۹۱) یکی از عواملی که باعث چندمعنایی می‌شود، تاثیرپذیری از زبانهای دیگر است که می‌تواند معنای تازه‌ای به واژه بدهد.

پالم (۱۹۹۳) نیز معتقد است که واژه چندمعنا به‌خودی‌خود چندمعنی دارد. وی افزون بر این، به برخی از مشکلاتی که در بررسی چندمعنایی وجود دارد اشاره می‌کند. بعلاوه سعید (۱۹۹۷) مبحث چند-معنایی را با مقایسه بین هم‌نامی و چندمعنایی آغاز می‌کند و تفاوت‌های بین آنها را بیان می‌کند و می‌گوید چندمعنایی زمانی روی می‌دهد که معانی با یکدیگر در ارتباط باشند. آنتونانو (۱۹۹۹) در طی پژوهشی بسیارگسترده، تحت عنوان «چندمعنایی و استعاره در افعال ادراکی: مطالعه بین زبانی» به بررسی چندمعنایی و استعاره در گستره معنایی افعال ادراکی و بررسی این که چگونه ساختارهای چند معنایی استعاره‌های بین

قلمرو و ادراک فیزیکی و قلمروهای مفهومی دیگر در زبانهای انگلیسی، باسکی و اسپانیایی رخ می‌دهند، پرداخته و عنوان کرده که افعال ادراکی هم معنای فیزیکی و هم معنای استعاره‌ای را در سطح بسیار وسیع‌تر انتقال می‌دهند که بیشتر این معانی بین زبانی‌اند. نیومان (۲۰۰۹) در پژوهشی دیگر با نکات کلیدی مرتبط با سه فعل «حالت بدن» را در زبان انگلیسی، یعنی «ایستادن» و «نشستن» و «دراز کشیدن» به بررسی و تحلیل پرداخته است. او در ابتدا، با ارائه داده‌ها و شواهدی ثابت کرده است که این سه فعل رایج‌ترین فعل-های حالت بدن در انگلیسی است و بنابراین یک گروه به شمار می‌رود. پس از بررسی داده‌ها نیز ثابت شده است که بسیاری از معانی این فعل‌ها انگلیخته و برپایه اصل بدن‌مندی است.

از دیگر پژوهش‌های مرتبط با مقاله اردلجیک (۲۰۱۳) است که در یک پژوهش پیکره-محور معنایی فعل «نشستن» را در سه زبان انگلیسی و آلمانی و کراواتی بررسی کرده است. نتایج این پژوهش آن است که معنای مجازی این فعل هم‌راستا با فرضیه‌ای اصلی زبان‌شناسی شناختی براساس تجربه‌های بدنی و جسمانی انگلیخته می‌شود و از طرحواره‌های تصویری مانند طرح واژه ظرف نشات می‌گیرد.

از جمله پژوهش‌های مرتبط دیگر می‌توان به فیاضی و دیگران (۱۳۸۷) در بررسی افعال حسی چندمعنا در زبان فارسی اشاره کرد که به این نتیجه دست یافته‌اند استعاره‌ها از پیوندهای نظام‌مند میان قالب‌های حوزه دریافت فیزیکی و حوزه ادراک ذهنی حاصل می‌شوند و امری تصادفی نیستند و این انطباق قالب‌های معنایی با یکدیگر موجب چندمعنا شدن افعال حسی می‌شود. گندمکار (۱۳۹۰) در پژوهشی «افعال مرکب اندام‌بنیاد در زبان فارسی براساس رویکرد شناختی» مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از این تحقیق، بیان می‌کند که عامل اصلی شکل‌گیری طرحواره‌های تصویری «هسته معنایی» افعال مرکب‌بنیاد است و تفاوت در شکل ظاهری طرحواره‌ها را باید در تمایز میان «مولفه‌های معنایی» هسته‌های معنایی آن‌ها جستجو کرد. بوستانی‌زاد (۱۳۹۱) در پژوهشی دیگر پدیده چندمعنایی را در افعال ساده زبان فارسی از منظر شناختی تجزیه و تحلیل کرده است. مهم‌ترین ابزاری که برای ایجاد چندمعنایی نام می‌برد، بسط استعاری است که بنیان‌های عینی خود را از طرحواره‌های تصویری نشات گرفته از تجربیات روزمره انسان

می‌گیرد. از طرف دیگر افراشی و دیگران (۱۳۹۳) نیز چندمعنایی فعل حسی «شنیدن» در زبان فارسی را مورد مطالعه قرار داده است، در این تحلیل هفت معنی برای فعل «شنیدن» قابل دست‌یابی بوده‌است و الگوی تیلر به میزان قابل توجهی امکان تبیین چندمعنایی «شنیدن» را در زبان فارسی از حوزه افعال حسی فراهم آورد. همچنین نصیب ضرابی و دیگران (۱۳۹۳) در معناشناختی فعل «خوردن» براساس معنای پایه «پذیرا» نشان دادند که یک معنای پایه در تمامی کاربردهای مختلف فعل «خوردن» به‌عنوان فعل اصلی یا سبک موجود است و آن معنی «پذیرا» است که به دو دسته درون‌سو و برون‌سو قابل تقسیم می‌باشد. در پژوهشی دیگر عموزاده و دیگران (۱۳۹۵) شبکه معنایی فعل «گرفتن» براساس انگاره چندمعنایی اصول‌مند را مورد مطالعه قرار داده‌اند. با استفاده از معیارهای انگاره چندمعنایی اصول‌مند از بین معانی متعدد ذکر شده برای فعل «گرفتن» در فرهنگ بزرگ سخن هشت معنی متمایز را استخراج و سایر معانی را ذیل این هشت معنی طبقه‌بندی شده است. کریمی دوستان و روحی بایگی (۱۳۹۵) نیز در بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» بر مبنای نظریه معنی‌شناسی واژگانی شناختی نشان دادند که چندمعنایی فعل سبک «زدن» بر مبنای بررسی فعل سنگین متناظر آن، پدیده‌ای نظام‌مند بوده و سازوکارهای شناختی در شکل‌گیری معانی مختلف این عنصر زبانی در قالب مقوله‌ای شعاعی نقش اساسی دارند. در تحقیق دیگر گندمکار (۱۳۹۵) چندمعنایی فعل «خوردن» نمونه‌ای از عدم کارایی رده‌شناختی واژگانی را مورد بررسی قرار داده‌است، کاربرد این فعل در زبان‌های مورد بررسی حاکی از آن است که، میزان گستردگی چندمعنایی از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. منصوری (۱۳۹۵) از دیگر پژوهش‌های مرتبط در بررسی راهکارهای ایجاد چندمعنایی مطرح در رویکرد شناختی روی فعل ساده ترکی به این نتیجه می‌رسد که مقوله‌های شعاعی می‌تواند مقوله چندمعنایی در فعل‌های ساده ترکی آذربایجانی را نیز توصیف کند. همچنین اصغری و دیگران (۱۳۹۶) به بررسی چندمعنایی واژگانی براساس دیدگاه معنی‌شناسی واژگانی شناختی (تحلیلی موردی رمان در روز بلغراد اثر ربیع جابر) پرداخته‌است. اثبات کارایی دیدگاه معنی‌شناسی واژگانی شناختی مبنی بر اینکه چندمعنایی نه حاصل کاربرد واژه در بافتی خاص بلکه از ویژگی‌های بنیادی واژه و نتیجه بسط استعارای معنای سرنمون

است. در پژوهشی دیگر حضرتی و دیگران (۱۳۹۶) نیز کوشیده‌اند تا معانی گوناگون و نحوه چندمعنایی فعل دیداری /gömək/ (نگاه کردن) را در زبان ترکی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی ارائه دهند و در پایان بر نظام‌مندی چندمعنایی و نقش پررنگ استعاره نسبت به مجاز در شکل‌گیری چندمعنایی تاکید دارند. سلطانی و دیگران (۱۳۹۶) نیز پویایی نیرو و چندمعنایی در ساخت‌های فعل سبک متشکل از فعل «گرفتن»، با بررسی بیش از ۱۳۰ ساخت سبک و مرکب متشکل از فعل «گرفتن» نشان داده که اگر چه این فعل سبک همانند فعل سنگین متناظرش معنای واژگانی ندارد ولی روابط معنایی نظام‌مندی بین این دو وجود دارد. افراشی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی «الگوی انطباق‌های ریشه‌شناختی واژگان و استعاره‌های مفهومی درحوزه عواطف» با رویکرد شناختی پرداخته است. استعاره‌های مفهومی و فرآیندهای ریشه‌شناختی میان برخی حوزه‌های عاطفی تابع الگوهای انطباقی هستند. مقوله چندمعنایی از مهم‌ترین مباحثی است که در مطالعات مختلف زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. در زبان‌شناسی شناختی، که بنیاد مطالعات زبانی خود را بر اساس معنی بنا نهاده است چندمعنایی به‌طور ویژه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه افعال کنشی در گویش کردی کلهری از بسامد معنایی بالایی برخوردار است و این معانی در طول قرن‌ها در فرهنگ کلهری حفظ شده‌اند در این مقاله برآنیم که به بررسی مقوله چندمعنایی فعل کنشی «خوردن» در گویش کردی کلهری بپردازیم. افعال کنشی به آن گونه از افعال اطلاق می‌شود که بیانگر کنش هستند و برای به انجام رسیدن به مراحل نیازمندند و یکی پس از دیگری انجام می‌گیرند. فعل‌های کنشی دارای مراحل هستند و انجام هر مرحله هم‌زمانبر است و اساساً قابلیت استمراری دارند. در این پژوهش، با تحلیل داده‌های کردی کلهری معانی فعل کنشی «خوردن» مشخص گردید و سازوکارهای شناختی مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفت، همچنین گروه‌های معنایی فعل «خوردن» و ارتباط میان معنای مرکزی و سایر معانی با ترسیم شبکه‌های شعاعی نشان داده شد. گویش کلهری یکی از گویش‌های زبان کردی است که گویشوران آن به صورت متمرکز در استان کرمانشاه و ایلام زندگی می‌کنند و عده‌ای نیز به‌طور پراکنده در سایر شهرهای ایران و عراق پراکنده هستند. در این پژوهش تمرکز ما بر روی کلهرهایی است که به این

گویش تکلم می‌کنند؛ در استان ایلام، شهر ایوانغرب با تمامی توابع و حومه آن صدرد به گویش کردی کلهری تکلم می‌کنند (خانیا، ۱۳۸۹: ۵).

۱-۱ زبان‌شناسی شناختی

زبان‌شناسی شناختی رویکردی به مطالعه زبان براساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم-سازی است؛ بنابراین مطالعه زبان از این نگاه مطالعه الگوی مفهوم سازی است. (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۶)

آنچه در زبان‌شناسی مطرح است، شیوه درک و شناخت است، بدین گونه که در این دیدگاه، مسئله استقلال زبان از دیگر قوای شناختی مطرح نیست. براساس این دیدگاه، استقلال حوزه‌های زبان مردود است و درک جامع زبان بدون شناخت و درک کامل نظام شناختی میسر نیست. (صفوی، ۱۳۸۲: ۲)

۱-۲ معنی‌شناسی واژگانی شناختی

معناشناسی واژگانی در نگرش ساخت‌گرا، به سبب توجه ویژه‌ای که به روابط مفهومی در سطح واژگان دارد، شناخته شود. در این چارچوب، مساله چندمعنایی نیز مورد توجه قرار گرفته و به ویژه، چندمعنایی در مقابل هم‌نامی تحلیل می‌گردد. در نگرش ساخت‌گرا چندمعنایی، پدیده‌ای اتفاقی و محصول هم‌نشینی واژه‌ها است. به بیان ساده‌تر، فرض بنیادی در تحلیل چندمعنایی، کاربرد واژه در بافت‌های متفاوت و در هم‌نشینی با واژه‌های دیگر است. به این ترتیب، براساس رویکرد ساخت‌گرا به چندمعنایی، چندمعنایی یک واژه، نامحدود و غیر قابل پیش‌بینی در نظر گرفته شده است (افراشی و صامت، ۱۳۹۳). انتشار چند اثر درباره‌ی چندمعنایی واژه‌ها، پدیده‌ی چندمعنایی را، در کانون توجه قرار دارد و موجب تحولی در نگرش به فرآیندهای معنایی به ویژه استعاره و مجاز شد.

در زبان‌شناسی شناختی، چند معنایی یک سازوکار مقوله‌بندی است. براین اساس، معانی‌ها در یک مقوله قرار می‌گیرند و آن مقوله پیرامون مفهوم پیش‌نمونه سازمان می‌یابد. باتغییر نگرش، نسبت به چند معنایی از معناشناسی ساخت‌گرا به معناشناسی شناختی، به مثابه‌ی فرآیندی نظام‌مند و بیش از آن، یک

سازوکار شناختی مقوله‌بندی، تحول بزرگی نه فقط در بررسی چندمعنایی، بلکه نقطه عطفی در مطالعات معناشناختی به وجود آمد. (افراشی و صامت، ۱۳۹۳)

آنتونانو (۱۹۹۹:۳۳) دو نگرش شناختی را به چندمعنایی معرفی می‌کند که هرچند هر دو نگرش از نوع مقوله‌بندی مفهومی‌اند ولی تمایز ظریفی دارند:

در نگرش نخست، چندمعنایی با توجه به مفهوم مقولات شعاعی (لیکاف، ۱۹۸۷:۸۴) توصیف می‌گردد. براین اساس برای مقوله‌ی متشکل از معانی یک واژه‌ی چند معنی، ساختاری مدور تصور می‌گردد که مفهوم پیش‌نمونه در کانون آن قرار دارد و سایر معانی که هر یک به دلیلی با این مفهوم کانونی تفاوت دارند، در فواصلی از کانون، روی شعاع این دایره قرار می‌گیرند. شباهت خانوادگی، موجب می‌شود این معانی در چنین ساختار مقوله‌ای قرار بگیرند. این نگرش، مدلی برای بررسی چندمعنایی ارائه می‌دهد که در آن یک یا بیش از یک معنی، از جایگاه کانونی‌تری برخوردارند.

در نگرش تیلر (۱۹۹۵:۱۰۸) ساختار مقوله را که بر شباهت خانوادگی استوار است، مبتنی بر زنجیره‌های معنی معرفی می‌کند. برای مثال، یک واژه می‌تواند معانی متفاوتی از معنی یک تا بیش از آن داشته باشد، که معنی اول، مبنای شکل‌گیری معنی دوم واقع می‌شود، معنی دوم مبنای شکل‌گیری معنی سوم و معنی سوم مبنای شکل‌گیری معنی چهارم الی آخر. اصل شباهت خانوادگی در مورد چنین ساختار مقوله‌ای، این‌گونه عمل می‌کند که شباهت میان بعضی اعضای مقوله با برخی دیگر بیشتر است همان‌طور که شباهت معنی سوم با معنی چهارم بیشتر از شباهت معنی اول با معنی سوم است.

۳-۱ مقوله بندی

مقوله‌بندی، توانایی انسان در تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌های میان اشیا و امور و قراردادن آنها در یک طبقه است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶:۲۴۲). به باور لیکاف در هر زمان که انسان چیزی را مشاهده می‌کند، به استنتاج درباره چیزی می‌پردازد و یا عملی را انجام می‌دهد، در واقع در حال مقوله‌بندی آن چیز یا آن عمل است (لیکاف، ۱۹۸۷: ۵-۶). منشا این نظریه به مطالعات الینور رش در دهه‌ی ۱۹۷۰ درباره ساختار درونی

مقولات باز می‌گردد. (گرارتس و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۴۱). یافته‌های رش و همکاران او این حقیقت را آشکار کرد که مقوله‌بندی فرآیندی همه یا هیچ نیست بلکه اغلب قضاوت‌ها در مورد مقوله بندی یک شیء با توجه به نمونه‌ی اعلا یا پیش نمونه یا سرنمون انجام می‌شود (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۲۴۹). درواقع سرنمون، طرحی از مرکزی‌ترین ویژگی‌هایی است که اعضای یک مقوله دارند. (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۷۹)

۴-۱ مقولات شعاعی

شعاعی بودن، ویژگی انواع بسیاری از مقوله‌های زبانی است و می‌توان آن را یکی از نتایج رویکرد جدید به مقوله‌بندی دانست. این مفهوم در تقابل با دیدگاه کلاسیک مقوله بندی است که براساس آن اگر عنصری یکی از شرایط تعریف شده برای تعلق به مقوله‌ای را نداشته باشد، نمی‌تواند به آن مقوله متعلق باشد (لی، ۲۰۰۱: ۳). به عبارت دیگر در این دیدگاه، همه مفاهیم یک واژه باید دارای یک معنی مشترک و انتزاعی باشند و اگر مواردی یافت شد که فاقد این معنی مشترک بودند، باید آن را هم‌نامی به شمار آورد (لیکاف ۱۹۸۷). اما برخلاف مقوله‌بندی کلاسیک در معنی‌شناسی شناختی این باور وجود دارد که همه مفاهیم یک واژه دارای معنی مشترک نیستند و برخی از این معانی ممکن است نمونه‌ی بهتری برای معنی آن واژه بوده و برخی دیگر نمونه‌های جانبی به شمار آیند. بروگمن و لیکاف با اشاره به مقوله‌های معنایی بیان کردند که معانی مختلف یک واژه چند معنا مقوله‌ای شعاعی را تشکیل می‌دهند و اعضای این مقوله شعاعی با توجه به یک معنای سرنمون سازماندهی شده اند (گرارتس و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰۹). ازسوی دیگر وی معتقد است که بسط معنایی تصادفی نبوده و نمونه مرکزی، تعیین کننده و محدود کننده چنین بسطی است.

۵-۱ استعاره مفهومی

نظریه استعاره مفهومی اولین بار در کتاب لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مطرح شد. نکته اصلی این نظریه آن است که، استعاره فقط یک ویژگی سبکی زبان و متعلق به زبان ادبی نیست بلکه خود تفکر و ذهن اساسا دارای ماهیت استعاری است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳۷). به همین دلیل آن را استعاره مفهومی در تقابل با استعاره زبانی نامیده اند. برطبق این دیدگاه، سازماندهی ساختار مفهومی براساس نگاهت‌هایی

میان حوزه‌های مفهومی است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۲۸۶). لیکاف و جانسون براین باورند که زبان استعاری برپایه‌ی یک نظام فکری استعاری استوار است؛ برای مثال برای بیان رابطه‌ی عاطفی و زندگی مشترک نمی‌توان از هر حوزه معنایی استفاده کرد؛ بلکه حوزه‌های معنایی مشخصی (مانند سفر) این قابلیت را دارند. در این مثال، درک حوزه‌ی عشق براساس حوزه‌ی سفر صورت می‌گیرد. اما اصلی که بین سفر و عشق رابطه ایجاد می‌کند نه در محدوده‌ی دستور زبان می‌گنجد و نه در محدوده‌ی واژگان بلکه در حوزه‌ی استعاره قرار می‌گیرد (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۴). به بیان دیگر استعاره را می‌توان نگاشت سازمان یافته از حوزه‌ی مبداء (در اینجا سفر) به حوزه مقصد (در اینجا عشق) دانست. لیکاف و جانسون رابطه‌ی بین این دو حوزه را استعاره مفهومی نامیدند که به زعم ایشان نه فقط در سطح زبان بلکه در سطح شناخت یا ادراک مفهومی قرار دارد.

۱-۶ نظریه سرنمون

نظریه سرنمون ابزار تبیینی مهمی در زبان‌شناسی شناختی است که توسط راش (۱۹۷۸)، لیکاف (۱۹۸۷) و تیلر (۱۹۹۵) معرفی شده است. نقش‌گرایان بسیاری در حوزه زبان‌شناسی نظریه سرنمون را با عنوان الگویی برای طبقه‌بندی در نظر می‌گیرند که با ماهیت زبان بشری و قواعد دستوری لازم در مطالعه‌ی آن‌ها همخوانی بیشتری دارد. در الگوی طبقه‌بندی که قبل از نظریه سرنمون رواج داشت. یعنی دیدگاه ارسطویی، حضور یا عدم حضور مشخصه‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کرد. براین اساس چنین تصور می‌شد که بین طبقه‌بندی‌های زبانی مرزهای روشنی وجود دارد؛ تمامی اعضاء به یک اندازه نمونه‌های مطلوبی هستند و انتظار می‌رود قواعد دستوری نیز استثنای پذیر باشند. به عنوان نمونه، در مورد مقوله پرند در دیدگاه سنتی توانایی پرواز نه شرط لازم و نه شرط کافی برای پرند بودن است. برخی پرندگان نمی‌توانند پرواز کنند و برخی چیزها که پرواز می‌کنند پرند نیستند. اما از دیدگاه سرنمون داشتن پر، بال، دویا و توانایی پرواز ویژگی‌های سرنمونی پرند می‌باشد (اورا و گست، ۲۰۱۱). براساس نظریه سرنمون هر مقوله دارای اعضایی مرکزی است که حداکثر مشخصه‌های سرنمون را دارند. همچنین هر مقوله در بردارنده تعداد زیادی اعضای حاشیه-

ای و غیر مرکزی است که تعلق به مقوله را مدیون برخی ویژگی‌های مشترک هستند نه تمام ویژگی‌ها. کبوتر دارای تمام ویژگی‌های مقوله پرنده است، اما شتر مرغ و پنگوئن توانند پرواز کنند. بال پنگوئن هم چندان شباهتی با سایر پرندگان ندارد. بنابراین شتر مرغ و پنگوئن اعضای حاشیه‌ای مقوله پرنده محسوب می‌شوند. براساس دیدگاه سنتی مقوله بندی، اگر یک عضو یکی از شرایط لازم یا کافی را نداشته باشد از آن طبقه خارج خواهد شد و اگر دارای تمام شرایط باشد در آن طبقه قرار خواهد گرفت. به نظر اورا و گست (۲۰۱۱) دیدگاه سنتی مقوله بندی در واقع نوعی آرمان سازی است. با گسترش مطالعات شناختی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم این دیدگاه با چالش‌های مهمی روبرو گردید.

۱-۷ شیوه انجام پژوهش

پژوهش حاضر، تحلیلی بر «چندمعنایی افعال کنشی در گویش کردی کلهری» براساس «رویکردی شناختی» می‌باشد. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی بوده‌است. در این پژوهش، بیکره فعل، اهمیت ویژه‌ای داشته‌است؛ بنابراین داده‌های گویش کردی کلهری، از منابع متعددی استخراج گردید. منابعی که بیکره داده‌های افعال کنشی از میان آنها انتخاب شده‌است عبارتند برخی از آثار شاعران کردی کلهری (شعرای مرد و زن) که از میان متون مکتوب جمع‌آوری شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌است. کتاب «گویش کردی کلهری خوه ر هلات» که اولین و کامل‌ترین فرهنگ کردی کلهری می‌باشد نیز جزء منابع این پژوهش بود. این فرهنگ در بردارنده ۵۰/۰۰۰ واژه است که هم شامل لغات روزمره و هم شامل لغات اصیل و قدیمی می‌باشد. به بسیاری از واژه‌های اصیل کردی کلهری، در این فرهنگ، اشاره شده‌است که هم اکنون فراموش شده‌اند، همچنین کنایه‌ها و اصطلاحات افعال کردی کلهری نیز در آن آمده‌است. مطالعه دقیق هر سه جلد فرهنگ خوه ر هلات، حجم زیادی از داده‌ها، را به خود اختصاص داده‌است که علاوه بر ترکیبات فعل با اجزاء دیگر، موجب یادآوری موارد مشابه شده‌است. این موارد با پرس‌وجو و تحقیق از افراد اصیل و قدیمی، متخصصان گویش کردی کلهری و نیز با مراجعه به شم زبانی پژوهشگر به داده‌های

پژوهش افزوده شد. فرهنگ «باشور» و فرهنگ «واژه‌گان، اصطلاحات کردی کلهری» نیز، منبع دیگری برای داده‌های کردی کلهری در این پژوهش بود. اما با توجه به اینکه، در شهرستان‌های هم‌جوار در استان ایلام، گویش‌های متنوعی وجود داشته و با گویش کردی کلهری شهرستان ایوانغرب تفاوت‌های محسوسی داشته‌اند؛ دسترسی به منابع کردی کلهری در استان ایلام بسیار محدود بوده؛ لذا برای جمع‌آوری داده‌ها به شهرستان‌های استان کرمانشاه از جمله گیلان غرب، اسلام‌آباد و حتی کتابخانه شهرستان کرد غرب (بخش عمده این شهرستان‌ها، به گویش کردی کلهری، صحبت می‌کنند) مراجعه شده‌است. شهرستان ایوانغرب، از لحاظ جغرافیایی، در محدوده استان ایلام قرار گرفته، اما از لحاظ گویش‌شناسی در محدوده استان کرمانشاه. بخش دیگر از پیکره داده‌ها از گفت‌وگوهای عامیانه و محاوره‌ای میان گویشوران اصیل این گویش انتخاب گردید.

۲. بحث

۲-۱ تحلیل داده‌ها

فعل «خوردن»/xwârdən/ در معنای اولیه خود به معنای «خوردن» می‌باشد، با توجه به بررسی‌هایی که در بافت‌های گوناگون کردی کلهری به عمل آمده این معنا، معنای سرنمونی و اولیه می‌باشد و معانی دیگر فعل به طور مجزا در پیکره‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است. برای مشخص شدن کاربرد معانی فعل در هر یک از بافت‌های کردی کلهری به ذکر معانی و یک مثال برای روشن شدن معنا برای هر مورد پرداخته می‌شود و در پایان تحلیل، تلاش می‌کنیم به ارتباط معانی مختلف و سازوکارهای شناختی دخیل در چندمعنایی فعل اشاره کرده و طبقه‌بندی درستی از معانی آن براساس مقوله‌های شعاعی ارائه دهیم.

لازم به ذکر است به منظور پرهیز از اطناب، معنای سرنمونی برای تک تک گروه‌های معنایی ذکر نشده- است چرا که معنای سرنمونی فعل خوردن همان خوردن به معنی ورود ماده غذایی از راه دهان می‌باشد.

«خوردن» به معنای سرنمون «خوردن»

<i>bārâ</i>	<i>gušti</i>	<i>yæk</i>	<i>bwxwə</i>	<i>səqâna</i>	<i>yak</i>	<i>nyaškəna</i>
برادر	گوشت	هم (برادر)	بخورد	استخوان	هم (برادرش)	نمی‌شکند

معنی: اگر برادر گوشت برادرش را بخورد، استخوانش را نمی شکند.

نتایج تحلیل داده ها در این پژوهش نشان می دهد که استعاره های فعل کنشی «خوردن»

/xwârdən/ به شرح زیر است:

۲-۲ گروه اول: «خوردن» به معنای «میل داشتن»

مثال (۱). «خوردن» به معنای «مزه کردن»

?a čida ?âšpaxânce wa qâšəgə la qazâgæ bwxwa bəzân kwlyâga

پخته بین بخور غذا از قاشقی با آشپزخانه رفتی آگه

اگر رفتی آشپزخانه با قاشق از آن غذا مزه کن بین پخته.

مثال (۲). «خوردن» به معنای «نوشیدن»

۴ الف dū xway yâ nušâba?

دوغ نوشابه یا می خوری

دوغ می نوشی یا نوشابه؟

۴ ب ?âw xwə la mə ajâza sənə.

می گیرد اجازه من از خورد آب

آب بنوشد از من اجازه می گیرد.

مثال (۳). خوردن به معنای «اشتها داشتن»

na šâm xwə na nahâr bwasa səqân.

نه استخوان شده ناهار نه میخوره شام نه

نه اشتهای شام داره نه ناهار، به مشت استخوان ازش مانده.

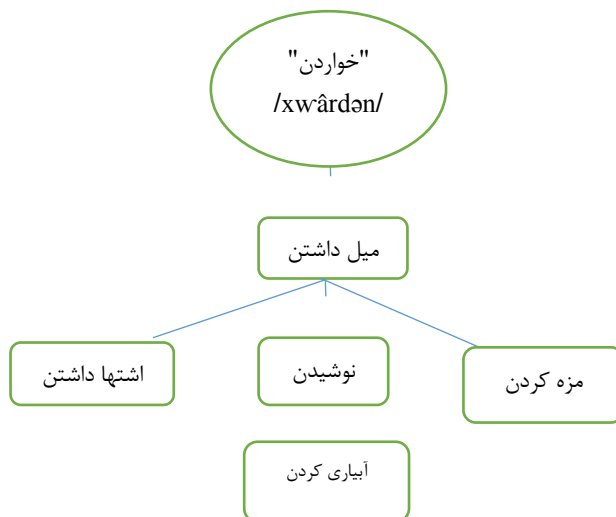
مثال (۴). «خوردن» به معنای «آبیاری کردن»

ارزیابی چند معنایی فعل کنشی «خوردن» در گویش کردی کلهری بر اساس معنی شناسی شناختی

<i>a</i>	<i>dârayl</i>	<i>haftə</i>	<i>yə</i>	<i>bâr</i>	<i>?âw</i>	<i>xwan.</i>
این	درختان	هفته	یک	بار	آب	می خوردند

این درختان هفته‌ای یک بار آبیاری می شوند.

معانی حاصل از فعل «خوردن» در هر یک از مثال های فوق معانی حاشیه‌ای هستند که با یکدیگر ارتباط معنایی نزدیکی دارند. معانی حاشیه‌ای فعل خوردن /xwârdən/ را می توان با استفاده از اصل مقولات شعاعی به شکل زیر نشان داد:



نمودار (۱). شبکه معنایی فعل خوردن /xwârdən/

وجه اشتراک معانی گروه اول، جنبه حسی و فیزیکی عمل «خوردن» و «نوشیدن» می باشد که در هر چهار معنای فعل مذکور دیده می شود.

۲-۳ گروه دوم: «خوردن» به معنای «جای گرفتن»

مثال (۵). «خوردن» به معنای «تناسب داشتن»

ə kawša wa bân ə šalvâræ yaxwə.

این کفشِ شلوارِ بالای می خوره

این کفش به این شلوار نمیداد.

مثال (۶). «خوردن» به معنای «اندازه بودن»

yə jəft kawš dərəm vapid xwə

یک جفت کفش دارم بهت میخوره

یه جفت کفش دارم اندازه پاته.

مثال (۷). «خوردن» به معنای «در معرض چیزی قرار گرفتن»

fəra xwar bxwan ranjân səfədaw bü

زیاد در معرض آفتاب قرار بگیرند، رنگشان سفید میشه

زیاد در معرض آفتاب قرار بگیرند، رنگشان سفید می‌شود.

مثال (۸). «خوردن» به معنای «جهت گیری مسیر»

ə jādæ wa kü xwə?

این جاده به کجا میخوره

این جاده به کجا راه داره؟

مثال (۹). «خوردن» به معنای «برگشت»

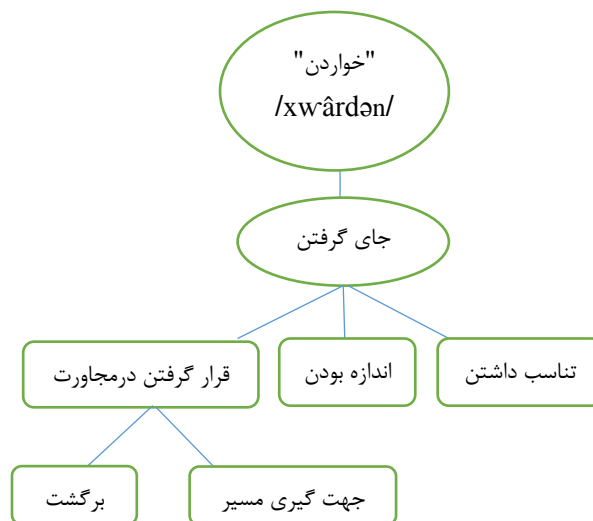
tâ nəsfə rə čəgaw gəlaw xwârd.

تا نصفه راه رفت خورد برگشت

تا نصفه راه رفت و برگشت.

با استفاده از اصل مقولات شعاعی ارتباط معنایی هرکدام از معانی فعل خوردن/xwârdən/ بصورت

شبکه معنایی ذیل نشان داده شده است:



نمودار (۲). شبکه معنایی فعل خوردن /xwârdən/

وجه اشتراک افعال این گروه مساله اندازه‌ها و جای‌گیری و تناسب آنها می‌باشد که باعث شده‌است این افعال در یک دسته قرار گیرند.

۲-۴ گروه سوم: «خوردن» به معنای «به کار آمدن»

مثال (۱۰). «خوردن» به معنای «استفاده کردن (از دارایی)»

<i>mâlâ</i>	<i>naxwarəm</i>	<i>?arâ</i>	<i>bxwarəm</i>
مال	نخورم	برای	بخورم

کسی که از ثروت خود استفاده نکند، مال او به میراث‌خواران می‌رسد.

مثال (۱۱). «خوردن» به معنای «همبستگی و شناخت قبلی داشتن»

la jə qablan dimasad, fəra xwinəm lid juš xwə·
می خوره جوش ازت خونم زیاد دیدمت قبلا جایی

انگار قبلا جایی شما رو دیدم، حس میکنم می شناسمت.

مثال (۱۲). «خوردن» به معنای «خرج کردن»

təmâmə həquqəmân xwârdim
تمام حقوق مان خوردیم

تمام حقوق مان را خرج کردیم.

مثال (۱۳). «خوردن» به معنای «قیمت تمام شده»

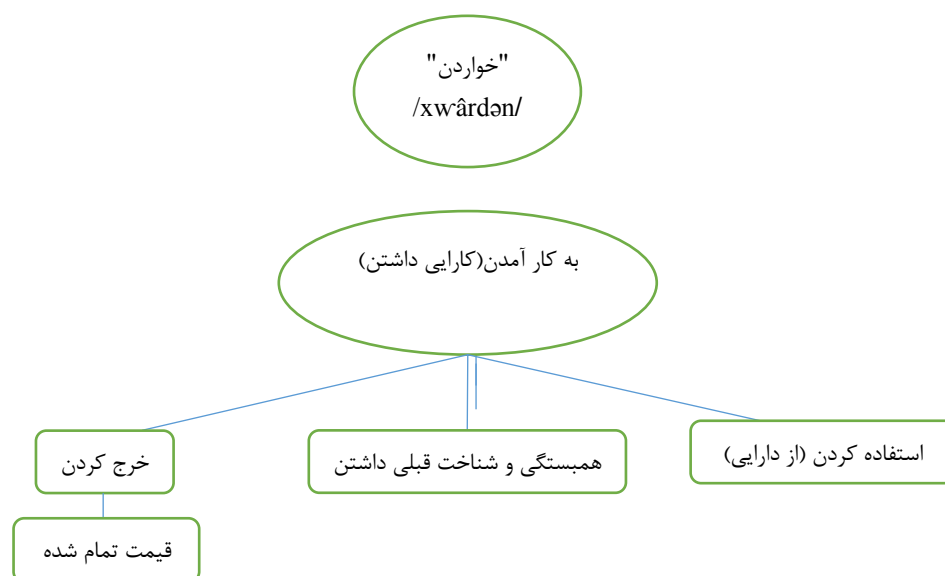
?awqəra xarjə ə mâšina kərdəma və ændâza sə mâl
xwârdəga.

خورده خونه سه اندازه به کردم ماشین این خرج آنقدر

آنقدر برای این ماشین هزینه کردم، قیمت سه تا خانه برام تمام شده.

درهریک از مثال‌های فوق ارتباط معنایی نزدیکی میان معانی حاشیه‌ای فعل خواردن/*xwârdən*/

وجود دارد که بصورت نمودار ذیل ارائه می‌گردد:



نمودار (۳). شبکه معنایی فعل خوردن /xwârdən/

آنچه باعث شده است که افعال این گروه در کنار همدیگر قرار بگیرند معنای مشترک «کارایی داشتن» است.

۲-۵ گروه چهارم: «خوردن» به معنای «پیش بینی کردن سرنوشت»

مثال (۱۴). «خوردن» به معنای «بدیمن بودن»

?əy kwra la avalâ xâs nayw sarə dâləgə xwârd·
این پسر از اول خوب نبود سر مادرش خورد

این پسر از اول خوب نبود، بدیمن بود.

مثال (۱۵). «خوردن» به معنای «تجربه تلخ دیدن»

badə čan sât čəgma mâləyân tærna xwârdim·
بعد چند سال رفتم خونه شان مصیبت (ضربه) خوردیم

بعد چند سال رفتم خونه شون تجربه تلخی بود.

مثال (۱۶). «خوردن» به معنای «نتیجه کار را دیدن»

<i>bwxwra</i>	<i>fāra</i>	<i>vatām</i>	<i>ya</i>	<i>rāyād</i>	<i>niya</i>
بخور	زیاد	گفتم	این	راहत	نیست

حالا نتیجه کاری که انجام دادی ببین، زیاد بهت گفتم این راحت درست نیست.

مثال (۱۷). «خوردن» به معنای «ضربه خوردن»

<i>awš</i>	<i>zila</i>	<i>xwārd</i>	<i>la</i>	<i>bārā</i>	<i>nākas</i>
او هم	سیلی	خورد	از	گروهی	بی سروپا

او هم از گروهی بی سروپا ضربه خورد.

مثال (۱۸). خوردن به معنای «ترک برداشتن»

<i>tāmāmā</i>	<i>mālayla</i>	<i>aywān</i>	<i>lā</i>	<i>asarā</i>	<i>zālzala</i>	<i>šaq</i>	<i>xwārdāna</i> .
همه	خانه‌های	ایوان	در	اثر	زلزله	ترک	خوردند

همه خانه‌های شهر ایوان در اثر زلزله ترک برداشتند.

مثال (۱۹). «خوردن» به معنای «سخن بیخود گفتن»

<i>kwra</i>	<i>bākāra</i>	<i>šakar</i>	<i>xwardāna</i>	<i>nāw</i>	<i>dwatā</i>	<i>mā</i>	<i>hāwrdāga</i>
پسرش	بیکاره	شکر	خوردند	اسم	دختر	من	آورده

پسرش بیکاره، بیخود گفتن که دختر من با او ازدواج کنه.

مثال (۲۰). «خوردن» به معنای «سوگند یاد کردن»

<i>qwrān</i>	<i>xwārdāma</i>	<i>hič</i>	<i>vaxt</i>	<i>kārā</i>	<i>gan</i>	<i>nakam</i>
قرآن	خوردم	هیچ	وقت	کار	بد	نکنم

به قرآن سوگند یادکردم هیچ وقت کار بد انجام ندهم.

مثال (۲۱). «خوردن» به معنای «غلط کردن»

ارزیابی چند معنایی فعل کنشی «خوردن» در گویش کردی کلهری بر اساس معنی شناسی شناختی

<i>aw</i>	<i>qəsyła</i>	<i>kərdəna</i>	<i>va</i>	<i>dam</i>	<i>gü</i>	<i>xwârdəna</i>
آن	سخنان	گفتند	با	دهان	مدفوع	خوردند

آن صحبت‌ها که گفتند غلط کردن است.

مثال (۲۲). «خوردن» به معنای «به زبان نیاوردن (لال شدن)»

<i>jæ</i>	<i>čə</i>	<i>qəsyəgə</i>	<i>kərdi</i>	<i>zwa:nə</i>	<i>xwæd</i>	<i>bɔ:xj.</i>
این	چه	حرفیه	گفتی	زبان	خودت	بخوری

این چه حرفی بود گفتی، این حرفا رو به زبان نیاری. (لال شی)

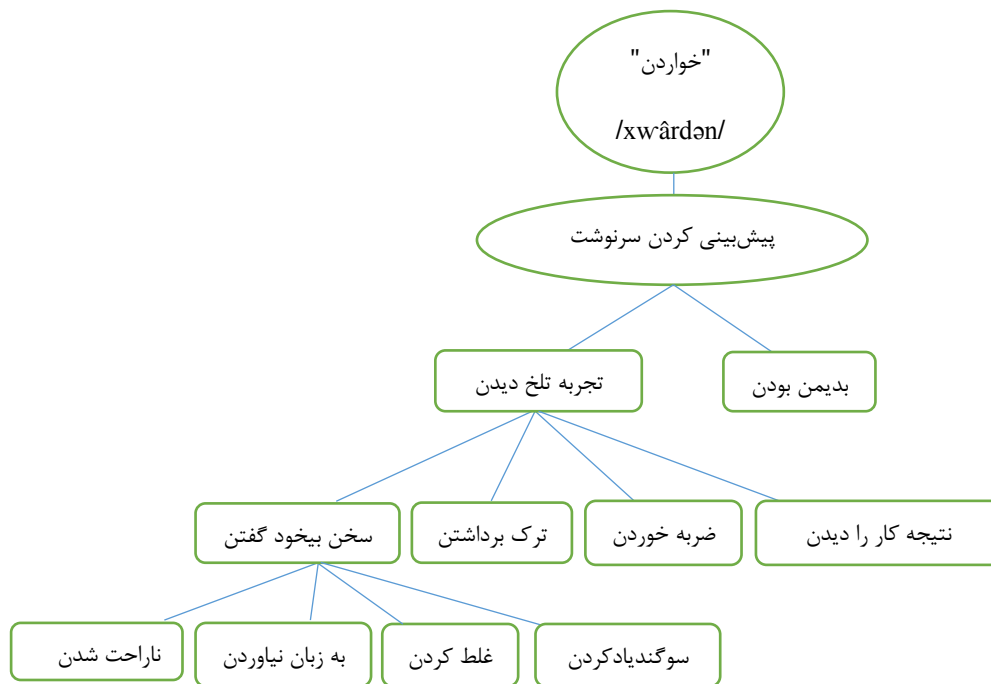
مثال (۲۳). «خوردن» به معنای «ناراحت شدن»

<i>?ali</i>	<i>xwasa</i>	<i>xwar</i>
علی	غصه	خور

(فرد) همیشه غمخوار دیگران

ارتباط معنایی هر یک از معانی حاشیه‌ای فعل خوردن /*xwârdən*/ در مثال‌های فوق با استفاده از

اصل مقولات شعاعی بصورت نمودار (۴) نشان داده می‌شود:



نمودار (۴). شبکه معنایی فعل خوردن /xwârdən/

خصوصیت بارز معنایی که هسته گروه با اعضای دیگر به اشتراک می‌گذارد این است که «پیشامدی را قبل از وقوع پیش‌بینی می‌کند».

۲-۶ گروه پنجم: «خوردن» به معنای «بی‌عدالتی کردن»

مثال (۲۴). «خوردن» به معنای «ضایع کردن حقوق»

awqəra haqə faqir xwârdəga gəštə nəsəgə.
 آنقدر حق فقیر خورده همه می‌شناسند

آنقدر حق انسانهای فقیر را ضایع کرده که همه او را می‌شناسند.

bašə gawrây tə wa nâhaq xwəryâs
 حق بزرگ تو به ناحق خورده شد

ارزیابی چند معنایی فعل کنشی «خوردن» در گویش کردی کلهری بر اساس معنی شناسی شناختی

حق بزرگ شما به ناحق ضایع شد.

مثال (۲۵). «خوردن» به معنای «آزار رساندن»

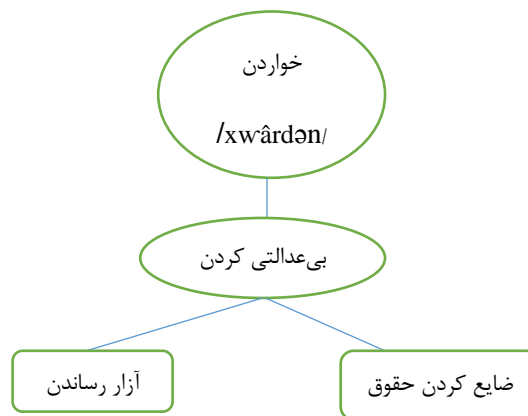
čani q əsyə kay maqzəm xwârdi

چقدر صحبت می‌کنی مغزم خوردی

چقدر صحبت می‌کنی، آزارم می‌دهی.

معانی که در قسمت فوق ارائه شده معانی حاشیه‌ای فعل خوردن /xwârdən/ می‌باشند که هر یک از

آنها با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند که بر اساس مقولات شعاعی بصورت نمودار (۵) نمایش داده می‌شود:



نمودار (۵). شبکه معنایی فعل خوردن /xwârdən/

در نمودار (۵)، معنای مشترک هسته که «ظلم و نبود عدالت در حق دیگران» با سایر اعضای گروه به

اشتراک گذاشته می‌شود.

۲-۷ گروه ششم: «خوردن» به معنای «کاری را درست انجام دادن»

مثال (۲۶). «خوردن» به معنای «خوب شدن»

kamkam valə yakâ juš xwan.

می‌خورم جوش همدیگر با کم‌کم

کم‌کم با همدیگر خوب می‌شوند.

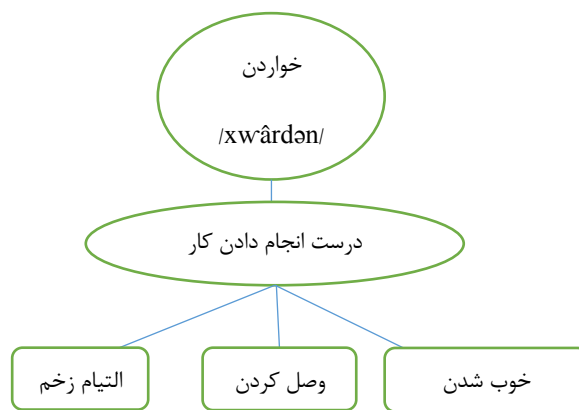
مثال (۲۷). «خوردن» به معنای «وصل کردن»

bəzân ?əy dā qəsmata wa yak juš xwan?
 ببین این دو قسمت به هم جوش میخورن
 ببین این دو قسمت به هم وصل می‌شوند.

مثال (۲۸). «خوردن» به معنای «التیام زخم»

zaxmad juš xwârdəga dâru kwârdia əray xâs bwæ.
 زخم زخم جوش خورده دارو کردی برایش خوب شده
 زخم التیام یافته، دارویی که بکار بردی، باعث شد خوب شود.

هریک از معانی فوق با یکدیگر رابطه‌ی معنایی نزدیکی دارند که معانی حاشیه‌ای فعل خواردن /xwârdən/ را تشکیل می‌دهند که این ارتباط برپایه مقولات شعاعی بصورت نمودار ذیل ارائه شده است:



نمودار (۶). شبکه معنایی فعل خواردن /xwârdən/

در نمودار (۶)، وجه اشتراک ویژگی «به انجام رساندن و پیشبرد کاری در مسیر صحیح و درست» می-

باشد.

۲-۸ گروه هفتم: «خوردن» به معنای «تفریح کردن»

مثال (۲۹). «خوردن» به معنای «راحت طلب بودن»

dasə la siyaw səfəd yə ha xwayg u kâr yakə
نمیکنه کار می خوره همش نمیزنه سفید سیاه به دستش
دست به سیاه و سفید نمی زنه، عادت کرده به راحت طلب بودن و هیچ کاری انجام نمی دهد.

مثال (۳۰). «خوردن» به معنای «یک جا بندنشدن»

ha la šawaki tâ əwâra dwr də la yə jâ qəngə xwâ yaxwə.
نمی خوره نمک نشیمنگاه یک جا در میزونه دور عصر تا صبح از همش
همش از صبح تا عصر دور می زنه یک جا بند نمی شه.

مثال (۳۱). «خوردن» به معنای «دور زدن»

?ali wa mâšinaw ha dwr xwə.
می خوره دور همش ماشینش با علی
علی با ماشینش همش دور میزونه.

مثال (۳۲). «خوردن» به معنای «چرخیدن»

?əy mənâla laba dawr xwârd giž büw.
شد گیج خورد دور آنقدر بچه این
این بچه آنقدر به دور خودش چرخید گیج شد.

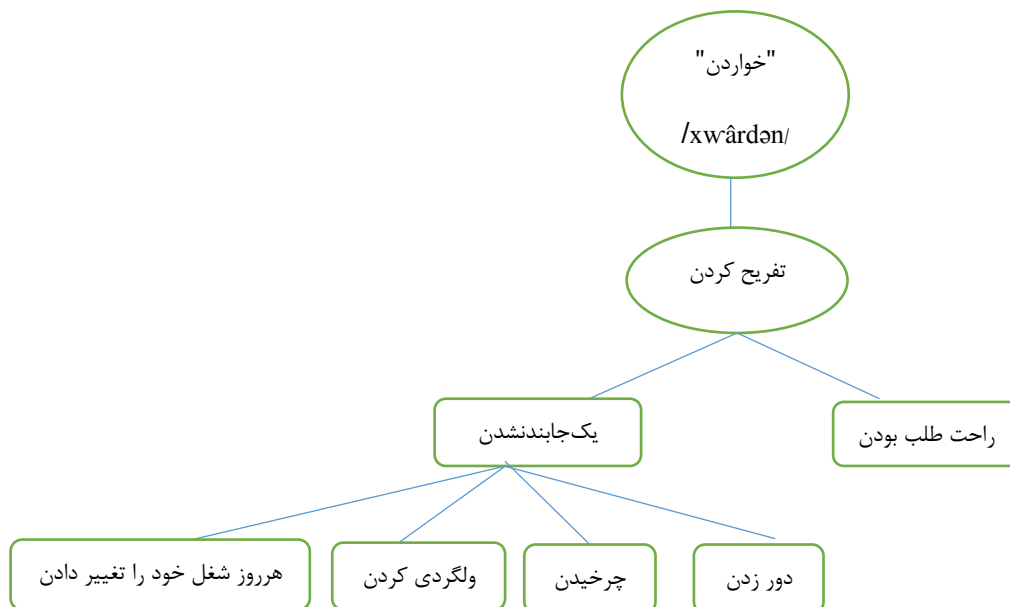
مثال (۳۳). «خوردن» به معنای «ولگردی کردن»

čida har jay əyw hâ nwâd ha žâw xwə.
می خوره تحرک زیاد همش جلوت هست اون جا هر می ری
هر جا می خواهی بروی او جلوتر از شماست، مدام ولگردی می کنه.

مثال (۳۴). «خوردن» به معنای «هرروز شغل خود را تغییر دادن»

qəŋə xwâ yaxwə, jə ruž dəkândâræ, jə ruž kârmānda
کارمنده روز یک مغازه‌دار روز یک نمی‌خوره نمک نشیمنگاه
mâlum niya čə kəsbə dəræ.
داره کسبی چه نیست معلوم

هر روز شغلش رو تغییر می‌دهد، یک روز مغازه داره، یک روز کارمند، معلوم نیست چه کاره است.
مثال‌های فوق ارائه‌دهنده معانی حاشیه‌ای فعل خواردن /xwârdən/ می‌باشند که از لحاظ معنایی رابطه نزدیکی باهمدیگر دارند بطوری که می‌توان به کمک اصل مقولات شعاعی، شبکه معنایی حاصل از آن را بصورت نمودار (۷) نشان داد:



نمودار (۷). شبکه معنایی فعل خواردن /xwârdən/

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل چندمعنایی فعل «خواردن» / xwârdən / در گویش کردی کلهری نشان داد که فعل مورد نظر از چندمعنایی قابل توجهی برخوردار است. در پژوهش حاضر با استفاده از اصل مقوله‌بندی شعاعی ۷ گروه معنایی برای فعل کنشی «خواردن» در گویش کردی کلهری تعریف شد که ابتدا معنای سرنمون فعل «خواردن» عنوان شده و سپس به دسته‌بندی معانی حاشیه‌ای آن پرداخته شده است و برای هر گروه شبکه شعاعی مربوط به گروه معنایی فعل «خواردن» ترسیم شد. ۷ گروه معنایی به شرح ذیل مشخص گردید:

- گروه اول: «خواردن» به معنای «میل داشتن» که در بردارنده معانی ۱- مزه کردن ۲- نوشیدن ۳- اشتها داشتن ۴- آبیاری کردن (مزارع و باغ).
- گروه دوم: «خواردن» به معنای «جای گرفتن» که در بردارنده معانی ۵- تناسب داشتن ۶- اندازه بودن ۷- قرار گرفتن در مجاورت ۸- جهت‌گیری مسیر ۹- برگشت.
- گروه سوم: «خوردن» به معنای «به کار آمدن» که در بردارنده معانی ۱۰- استفاده کردن (از دارایی) ۱۱- همبستگی و شناخت قبلی داشتن ۱۲- خرج کردن ۱۳- قیمت تمام شده.
- گروه چهارم: «خوردن» به معنای «پیش بینی کردن سرنوشت» که در بردارنده معانی ۱۴- بدیمن بودن ۱۵- تجربه تلخ دیدن ۱۶- نتیجه کار را دیدن ۱۷- ضربه خوردن ۱۸- ترک برداشتن ۱۹- سخن بیخود گفتن ۲۰- سوگند یاد کردن ۲۱- غلط کردن ۲۲- به زبان نیاوردن (لال شدن) ۲۳- ناراحت شدن.
- گروه پنجم: «خوردن» به معنای «بی‌عدالتی کردن» که در بردارنده معانی ۲۴- ضایع کردن حقوق ۲۵- آزار رساندن.
- گروه ششم: «خوردن» به معنای «کاری را درست انجام دادن» که در بردارنده معانی ۲۶- خوب شدن ۲۷- وصل کردن ۲۸- التیام زخم.

گروه هفتم: «خوردن» به معنای «تفریح کردن» که در بردارنده معانی ۲۹-راحت طلب بودن ۳۰-یک جا بند نشدن ۳۱-دور زدن ۳۲-چرخیدن ۳۳-ولگردی کردن ۳۴-هرروز شغل خود را تغییر دادن. تمام ۳۴ معنای فوق، بعلاوه ۷ معنای سرنمون هرگروه، معانی حاشیه‌ای هستند که از یک معنای سرنمون اصلی و اولیه «خوردن» که به معنای «فروبردن چیزی از راه دهان و وارد معده شدن» سرچشمه می‌گیرند. میان معانی حاشیه‌ای (۴۱ معنا) و معنای سرنمون (فروبردن چیزی از راه دهان) ارتباط معنایی نزدیکی وجود دارد که براساس اصل مقوله‌بندی شعاعی شبکه‌های شعاعی نمودارهای هرگروه بطور مجزا و بصورت کلی ترسیم گردید.

در این مقاله مشخص شد که سازوکارهای شناختی مانند مقوله‌بندی، نمونه اعلاء، استعاره مفهومی در چندمعنایی فعل «خوردن» / *xwârdən* / در گویش کردی کلهری نقش بسزایی دارند. براین اساس فعل «خوردن» / *xwârdən* / یک مقوله معنایی تشکیل می‌دهد که معانی گوناگون آن اعضای مقوله را شکل می‌دهند. برخی از این معانی برای نمونه، معنای «خوردن» / *xwârdən* / در «نوشتن» «مزه کردن» به معنای سرنمون نزدیک و بعضی از معانی مانند «ولگردی کردن» «ناراحت شدن» و..... در حاشیه قرار می‌گیرند.

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که برای فعل کنشی خوردن ۴۲ معنا وجود دارد، که یک معنای اولیه خوردن و ۴۱ معنای حاشیه‌ای وجود دارد. معنای اولیه به کمک سازوکارهای شناختی، به ویژه استعاره، به معانی دیگر آن مربوط می‌شود و استعاره در ایجاد چندمعنایی فعل «خوردن» / *xwârdən* / نقش پررنگ‌تری داشته است. با توجه به اینکه کاربرد اصطلاحات و کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها در گویش کردی کلهری بسیار چشمگیر می‌باشد، ۲۶ معنای اصطلاحی و کنایه‌ای و ضرب‌المثل از این فعل وجود دارد که هر کدام منظور و مفهوم خاصی دارد که در شرایط مورد نظر به کار می‌رود. همچنین براساس نتایج از معانی مختلف فعل «خوردن» روشن شد که چندمعنایی فعل کنشی «خوردن» در گویش کردی کلهری به کمک اصل مقوله‌بندی شعاعی قابل توصیف است و رابطه میان معانی فعل کنشی «خوردن» تصادفی نیست

بلکه رابطه این معانی حاکی از رابطه‌ای نظام‌مند بوده که مقوله‌بندی شعاعی می‌تواند تبیین‌کننده آن باشد. همچنین چندمعنایی پدیده‌ای تصادفی نبوده و برپایه تجارب ما از مفاهیم مختلف شکل می‌گیرد. ضرب المثل‌ها و کنایات و اصطلاحات کردی کلهری مورد بررسی که در آنها فعل «خواردن» به کاررفته است، به باورها و فرهنگ اصیل کردی کلهری برمی‌گردد، که تجارب و شیوه مفهوم‌سازی مردم ایل کلهر را می‌رساند که ریشه در فرهنگ غنی کلهری دارد و این باورها نسل به نسل و سینه به سینه به صورت شفاهی انتقال داده شده است. یافته‌های حاصل از بررسی آثار ادبی شاعران کردی کلهری (مونث و مذکر) نشان می‌دهد، فعل «خواردن» /xwârdən/ به طور محدودی در این آثار به کاررفته است و بیشترین و بالاترین معانی حاصل از فعل مورد نظر، در ضرب المثل‌ها و اصطلاحات و کنایه‌های گویش کردی کلهری، مورد استفاده قرار گرفته است و این موضوع ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم، این گویش دارد.

نتایج این پژوهش می‌تواند در زمینه آموزشی برای پژوهشگران، هنرمندان، فیلمسازان، شاعران، هنرمندان و نمایشنامه نویسان مورد استفاده قرار گیرد. همچنین برای فنون ترجمه به زبان‌شناسان و مترجم های زبان کمک می‌کند و نیز معانی استعاری فعل «خواردن» در گویش کردی کلهری می‌تواند در پروژه ترجمه ماشینی مفید واقع شود.

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- Afarashi, A., & Samet Jokundan, S., (2013). "Systematic polysemy with a cognitive approach, analyzing the polysemy of the sensory verb "to hear" in Persian language". Journal of Adab Pazhuh, Vol 8, No 30, pp 29-59. Doi: 20.1001.1.17358027.1393.8.30.2.6
- Afrashi, A. (2017). "Correlation between Conceptual Metaphors and Etymological Patterns of Emotion Concepts with a Cognitive Semantics Approach. Language and Linguistics, Vol 13, No 26) pp 69-88.
- Amozadeh, M., Karimi Doostan, G., Sharif, B. (2016). "The Semantic Network of "Gereftan" in Persian Based on Principled Polysemy Model". Language Research, 7(1), 117-136. doi: 10.22059/jolr.2016.59419
- Asghari, J., Jafari, F. (2017). "Lexical Analysis According to Cognitive Semantics Case Study of Druze of Belgrade by Rabee Jāber". Arabic Literature, Vol 9, No 1, pp 21-37. doi: 10.22059/jalit.2017.134593.611353
- Auwers, J.V.D and Gast, V. (2011). Categories and prototypes. In song(Ed). The Oxford Handbook of linguistic Typology. 131-147. Oxford/ NewYork: Oxford University Press
- Bostanizad, H., (2012). Investigation of solutions to create multiple meanings in frequently used verbs of the Persian language based on a cognitive perspective". Master's thesis. Mohammad Rasakh Mohand. Bu Ali Sina University.
- Erdeljić, D. V. (2013). "The polysemy of verbs expressing the concept SIT in English, Croatian and German". Jezikoslovlje. Vol 14, pp 2-3. pp: 263-279
- Evans, V. & M. Green (2006). CognitiveLinguistics: An Introduction. Edin burgh: Edinburgh University Press
- Fayyazi, M., & Kord Za'feranloo Kambozia, A. (2009). "The Metaphorical Origin of the Polysemic Perceptive Verbs in Persian: A Cognitive Semantic Approach". Journal of Adab Pazhuhi, Vol 2, No 6, 55-85. Doi: 20.1001.1.17358027.1388.2.6.4.2

Multi-semantic evaluation of the action verb "to eat" in Kalhori Kurdish dialect based on cognitive semantics [In Persian]

- Gandomkar, R. (2011). "A semantic study of body-based compound verbs in Persian: A cognitive approach". *Language and Linguistics*, Vol 7, No 14, pp 98-112.
- (2016). "Polysemy of verb "xordan": A case study of inefficiency of lexical typology". *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, Vol 8, No 19, pp149-167. doi: 10.22051/jlr.2016.2323
- Geeraerts, D. (ed) & H. Cuyckens. (2007). *the Oxford Handbook of CognitiveLinguistics*. Oxford UnivesityPress.
- Ghaderi, M., Yousefirad, F., Afrashi, A., Rowshan, B. (2019). "Systematic Polysemy in Cognitive Approach: Studying the Polysemy of "see" in Persain". *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, Vol 7, No 4, pp 73-91. doi: 10.22126/jlw.2019.1305.
- Happy, B., (2008). *Xowan Dictionary of Farsi-Kurdish*, 1th Edition. Tehran: Paniz.
- Hazrati, Y. (2015). "The study of polysemy in Azerbaijani Turkish in the framework of cognitive semantics: visual verb /görmək/ (seeing)". *Foreign Language Research Journal*, Vol 5, No 2, 243-269. doi: 10.22059/jflr.2015.62549
- Ibarretxe-Antunano, I. (1999). *Polysemy and metaphor in Perception Verbs: A cross Linguistic Study*: University of Edinburgh
- Izanloo, A., & Nasib Zarraby, F. (2016). "A Semantic Study of "xordan" based on The Basic Meaning of "accepting". *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, Vol 8, No 20, pp 125-142. doi: 10.22051/jlr.2015.1825
- Izanloo, A., & Nasib Zarraby, F. (2016). "A Semantic Study of "xordan" based on The Basic Meaning of "accepting". *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, Vol 8, No 20, pp 125-142. doi: 10.22051/jlr.2015.1825
- Jafarzadeh, J., (2006). *Kurdish proverbs*. 1th edition. Kermanshah: Taq Bostan.
- Jalilian (Ako), A., (2006). *Bashur-Kurdish-Kurdish-Persian culture*. 1th Edition. Tehran: Persman Publications.
- Karimpur, K., (2001). *Khuhr Ha Lat: Kalhori Kurdish (Kermanshahi) Kurdish-Persian dialect culture*, 1th edition. Kermanshah: Sobh Roshan.
- Khanian, H., (2007). *Kalhori dialect*. 1th Edition. Ilam: Islamic Azad University, Ilam branch
- Lakoff, G. &M. Johnson (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chivago Press
- Lakoff, G. (1987), *Women, Fire and dangerous Things, what categories reveal about the mind*, Chicago & London: Chicago university Press.
- Lee, D (2001). *Cognitive Linguistics, an Introduction*. Oxford: Oxford University Press
- Mansouri, I., (2015). *Analysis of polysemous structure in simple verbs of Azerbaijani Turkish language with a cognitive approach*. Master's thesis, Bu Ali Sina University.

- Mohammadi, N., (2002). *Havari Bero*, 1th edition. Tehran: Kausar.
- (2016). *Varan Ashti*, 1th edition. Tehran: Dastan.
- Newman, John (2009). "*English Posture Verbs: An experientially grounded approach*". *Annual Review Of Cognitive Linguistics*, Vol 7, pp: 30-58, doi: 10.1075/arcl.7.02new
- Palmer, R. (1993). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rasakh Mohand, M., (2007). *An introduction to cognitive linguistics: theories and concepts*. 1th edition. Tehran: Samt.
- Ravin, Y. & C. Leacoak (2000). "Polysemy: An Overview". *Polysemy: Theoretical and Computational Approaches*. Ravin Yael & Leeacoak Claudia (eds). Oxford University Press. pp. 1-29
- Rezaei Kalhor, A., Karimi, N., (2003). *A thousand Kurdish proverbs (Kalhari)*. 1th edition. Kermanshah: Kermanshah Publications.
- Saeed, J.I. (1997). *Semantics*, Oxford: Blackwell.
- Safavi, Koresh. (2003). *An introduction to semantics*. Tehran: Surah Mehr.
- Soltani, R., Amouzadeh, M., Rezaei, H. (2017). "*Force-dynamics and Polysemy in LVCs Formed by Gereftan*". *Language Research*, Vol 8, No 2, pp 59-78. doi: 10.22059/jolr.2018.65515
- Taylor, J.R. (1995). *Linguistic Categorization, Prototypes in Linguistic Theory*. Oxford: Claredon
- Ulman, S. (1991). *Object Recognition and Visual Cognition*. MIT University Press.
- Vanhove, M. (2008), *Towards a typology of semantic associations*, Berlin: Mouton de Gruyter.